

طب سنتی

حکیم ابوعلی سینا

((قانون به زبان ساده))

گزیده ای از القانون فی الطب شیخ الرئيس ابوعلی سینا

تعلیق و تدوین: طویل گل محمدی - کلام کیانی - بطوب کمال کاظمی



فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۵۷	انسداد کبد	۸	مقدمه
۵۸	باد شکم	۱۹	آب آوردن چشم
۵۸	بازگشت زخم	۲۰	آبله
۵۹	بد هضمی	۲۰	داروی ادرار آور
۵۹	بواسیر	۲۱	ادرار غیر ارادی
۶۳	بواسیر لب	۲۲	نسخه هلیله سیاه
۶۳	بوی بد دهان	۲۳	استفراغ همراه با تب
۶۴	بی خوابی در حالت تب	۲۴	استفراغ
۶۴	بی نظمی معده	۳۱	اسهال
۶۴	بیرون آمدن مقعد	۳۹	اسهال در بیماران سرطانی
۶۵	بیماری های مفصلی	۴۰	آسیب بویایی
۷۲	بیماری های ریوی	۴۱	آسیب کبد
۷۹	ناول و حبابی	۴۳	آسیب های شنوایی
۸۰	تب التهابی	۴۴	اشتهای کاذب
۸۰	تب بلغمی	۴۶	افتادن و صدمه دیدن
۸۶	تب ساده	۴۷	افزایش شیر مادر
۸۹	تب شدید	۴۹	التهاب بیضه
۹۱	تب عصبی	۵۶	التهاب ناخن
۹۳	تب عفونی	۵۶	آلودگی گوش (عفونت)

۱۲۱	تقویت حافظه	۹۳	اسهال دادن بیمار عفونی
۱۲۲	داروهای دندان	۹۶	تب مکرر
۱۲۳	تقویت غریزه ی جنسی	۱۰۰	تب و لرز از سرما
۱۳۰	تقویت قلب	۱۰۳	تب ویایی
۱۳۳	تقویت معده	۱۰۳	تب و تشنگی
۱۳۴	تکرر ادرار	۱۰۳	ترشح بزاق اضافی
۱۳۷	تنظیم عادت ماهانه	۱۰۴	ترک پوست آلت
۱۴۰	تنگ کردن واژن	۱۰۵	ترک خوردگی پوست
۱۴۲	جذام	۱۰۵	ترک شکم
۱۴۶	جلوگیری از ریزش شیر	۱۰۵	ترک مقعد
۱۴۷	جوش ریز	۱۰۷	ترمیم زخم
۱۴۹	جوش پوستی	۱۱۰	ترمیم گوشت در زخم
۱۵۲	جوش دهان	۱۱۰	تسکین دهنده های درد
۱۵۲	حصیه	۱۱۲	تسهیل زایمان
۱۵۳	خارش واژن	۱۱۳	تشنج زبان
۱۵۴	خارش روده و بواسیر	۱۱۳	تشنگی
۱۵۶	داروهای خلط آور	۱۱۶	تشنگی غیر طبیعی
۱۵۸	خنازیر (ورم سلهه)	۱۱۷	تصفیه خون
۱۶۲	خون ریزی بینی	۱۱۸	تغییر رنگ دندان
۱۶۲	خون ریزی زنان	۱۱۹	تقویت استخوان
۱۶۳	بند آمدن خون در معده	۱۲۰	تقویت پوست

۱۹۲	سوء مزاج سرد کلیه	۱۶۳	درد نهی گاه
۱۹۳	سوء مزاج گرم و تر کبد	۱۶۳	درد کبد
۱۹۳	سوء هاضمه	۱۶۴	درد گوش
۱۹۶	سوء هاضمه (مزاج گرم)	۱۶۴	درد معده
۱۹۷	سوء هاضمه (سرد مزاج)	۱۶۵	درد مفاصل
۱۹۸	سوء جذب کبد	۱۶۷	دق پیری
۲۰۰	سوء مزاج سرد و خشک	۱۶۸	دُمَل
۲۰۰	سوخستگی	۱۷۱	دمل در معده
۲۰۴	سوراخ شدن دندان	۱۷۲	دُمَل بلغمی
۲۰۴	سوزش زبان	۱۷۳	دُمَل در داخل پستان
۲۰۵	سینه پهل	۱۷۳	دندان درد
۲۰۶	شب ادراری	۱۷۴	ذات الریه
۲۰۷	شقاق زبان	۱۷۵	زیادی ادرار
۲۰۷	شکستگی بینی	۱۷۷	آماس غیر معمول پستان
۲۰۸	شکستگی در سر	۱۷۹	سر درد در حالت تب
۲۰۸	شکم پیچه	۱۸۰	سرباز کردن دمل
۲۰۹	صدمه دیدن درونی	۱۸۰	سرفه همراه با خون
۲۱۰	ضعف کلیه	۱۸۳	سکسکه
۲۱۱	ضعف لثه	۱۸۵	سنگ کلیه و مثانه
۲۱۲	ضعف مثانه	۱۹۱	سنگینی گوش
۲۱۲	طاعون	۱۹۱	سوء جذب سرد کبد

۲۳۶	کوفنگی	۲۱۳	عدم امکان دفع ادرار
۲۳۷	گرم کننده ی واژن	۲۱۵	عرق مدینه ای
۲۳۷	گوشت زایک بر زخم	۲۱۵	عصبه متوالی
۲۳۸	لخته شدن خون در مثانه	۲۱۶	عشر کردن تب دار
۲۳۸	لق شدن دندان	۲۱۶	نقی
۲۴۳	ناآرامی معده	۲۱۹	قانقاریا
۲۴۳	ناتوانی کبد	۲۲۰	قرحه
۲۴۴	ناتوانی مثانه	۲۲۲	قُرُقُر شکم
۲۴۵	ناتوانی معده	۲۲۲	قطع عادت ماهانه
۲۴۸	ناراحتی گلو	۲۲۴	ایلاوس (قولنج)
۲۴۹	نازایی	۲۲۴	اسهال دادن بلغم
۲۵۱	مضم کاذب	۲۲۶	قولنج سرد بدون اسهال
۲۵۲	سوء مزاج در معده	۲۲۷	قولنج صفرائی
۲۵۲	سوء مزاج سرد و خشک	۲۲۸	قولنج مدفوعی
۲۵۳	ورم باد سرج مقعد	۲۲۹	ناشی از فتق
۲۵۴	ورم بدن	۲۳۰	قولنج و بند آمدن مدفوع
۲۵۹	ورم بلغمی طحال	۲۳۲	قولنج ورمی
۲۶۲	ورم خفیف	۲۳۲	کرم دندان
۲۶۴	ورم رحم	۲۳۳	کرم شکم
۲۶۵	ورم سخت زهدان	۲۳۳	کرم کدو
۲۶۹	ورم سخت	۲۳۴	کرم درد

۲۷۲	ورم سخت طحال
۲۷۳	ورم سخت و غلیظ
۲۷۳	ورم سرد بلغمی در معده
۲۷۹	ورم سرد پستان
۲۷۹	ورم سرد کبد
۲۸۱	ورم غده ای
۲۸۱	ورم گرم و دمل در کلیه
۲۸۲	ورم سخت در کلیه
۲۸۳	زخم در کلیه
۲۸۴	ورم های گرم
۲۸۵	ورم گرم در پستان
۲۸۵	ورم گوش
۲۸۵	ورم لب
۲۸۶	ورم ماهیچه
۲۸۷	ورم معده
۲۹۰	ورم های زبان
۲۹۰	یرقان
۲۹۲	اقسام داروها
۳۰۱	تاثیر عوامل خارجی بر دارو
۳۰۴	بررسی گیاهان دارویی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا، مشهور به ابوعلی سینا و ابن سینا و پور سینا (زاده ی ۳۵۹ هجری شمسی در بخارا - در گذشته ی ۲ تیر ۴۱۶ در همدان، ۴۲۸-۳۷۰ قمری، ۱۰۳۷-۹۸۰ میلادی)، پزشک و شاعر مسلمان ایرانی و مشهورترین و تأثیرگذارترین فیلسوفان - دانشمندان جهان اسلام است که به ویژه به دلیل آثارش در زمینه فلسفه ارسطویی و پزشکی اهمیت دارد. وی نویسنده کتاب‌های شفا، یک دانشنامه علمی و فلسفی جامع است و القانون فی الطب یکی از معروف‌ترین آثار تاریخ پزشکی است که در این مجموعه ما سعی کرده ایم تعدادی از مواد لازم های این حکیم بزرگ را به زبان ساده به رشته تحریر در آوریم تا ان شاء الله مورد استفاده ی هموطنان قرار گیرد.

وی ۴۵۰ کتاب در زمینه‌های گوناگون نوشته‌است که شمار زیادی از آن‌ها در مورد پزشکی و فلسفه است. جرج سارتن در کتاب تاریخ علم وی را یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان و دانشمندان پزشکی می‌داند. همچنین وی او را مشهورترین دانشمند سرزمین‌های اسلامی می‌داند که یکی از معروف‌ترین‌ها در همه ی زمان‌ها و مکان‌ها و نژادها است.

ابن سینا در روستای افشانه نزدیک بخارا متولد شد. زبان مادری اش فارسی بود. پدرش از صاحب منصبان در حکومت سامانی بود و وی را به مدرسه بخارا فرستاد در آنجا به خوبی تحصیل کند. پدر و برادر ابن سینا مجذوب تبلیغات اسماعیلیه شده بودند، اما ابن سینا از آن دو تبعیت نکرد. وی حافظه و موشی خارق العاده داشت. به طوری که در ۱۴ سالگی از معلمان خود پیشی گرفت.

او علم منطق را به استادش ناتیلی آموخت. او کسی را نداشت که از وی علوم طبیعی یا داروسازی را فرا بگیرد و پزشکان مشهور از دستورالعملهای او تبعیت می کردند. البته وی در فراگیری علم ماوراء الطبیعه ارسطو دچار مشکل شد که تنها به کمک تفسیر فارابی توانست آن را بفهمد. او امیر خراسان را از یک بیماری سخت نجات داد.

امیر خراسان در ازای این کار اجازه داد که ابن سینا از کتابخانه باشکوه مخصوص شاهزادگان سامانی استفاده کند. در سن ۱۸ سالگی، ابن سینا بر تمام علوم، می که بعدها شناخته شدند تسلط یافت. پیشرفتهای بعدی وی، مرهون استدلالهای شخصی وی بود.

بخشی از زندگینامه او به گفته خودش به نقل از شاگردش ابو عبید سجوزجانی بدین شرح است:

«پدرم عبدالله از مردم بلخ بود در روزگار نوح پسر منصور سامانی به بخارا در آمد. بخارا در آن عهد از شهرهای بزرگ بود. پدرم کار دیوانی پیشه کرد و در روستای خرمیش به کار گماشته شد. به نزدیکی آن روستا، روستای افشنه بود. در آنجا پدر من، مادرم را به همسری برگزید و وی را به عقد خویش در آورد. نام مادرم ستاره بود من در ماه صفر سال ۳۷۰ از مادر زاده شدم. نام مرا حسین گذاشتند چندی بعد پدرم به بخارا نقل مکان کرد در آنجا بود که مرا به آموزگاران سپرد تا قرآن و ادب بیاموزم. دهمین سال عمر خود را به پایان می بردم که در قرآن و ادب تبحر پیدا کردم آنچنان که آموزگارانم از دانسته های من شگفتی می نمودند. در آن هنگام مردی به نام ابو عبدالله به بخارا آمد او از دانش های روزگار خود چیزهایی می دانست پدرم او را به خانه آورد تا شاید

بتوانم از وی دانش بیشتری بیاموزم وقتی که ناتل به سخانه ما آمد من نزد آموزگاری به نام اسماعیل زاهد فقه می‌آموختم و بهترین شاگرد او بودم و در بحث و جدل که شیوه دانشمندان آن زمان بود تخصصی داشتم.

ناتلی به من منطق و هندسه آموخت و چون مرا در دانش اندوزی بسیار توانا دید به پدرم سفارش کرد که مبادا مرا جز به کسب علم به کاری دیگر وادار سازد و به من نیز تاکید کرد جز دانش آموزی شغل دیگر برنگزینم. من اندیشه خود را بدانچه ناتلی می‌گفت می‌گماشتم و در ذهنم به بررسی آن می‌پرداختم و آن را روشن تر و بهتر از آنچه استادم بود فرامی‌گرفتم تا اینکه منطق را نزد او به پایان رسانیدم و در این فن بر استاد خود برتری یافتم. چون ناتلی از بخارا رفت من به تحقیق و مطالعه در علم الهی و طبیعی پرداختم اندکی بعد رغبتی در فراگرفتن علم طب در من پدیدار گشت. آنچه را پزشکان قدیم نوشته بودند همه را به دقت خواندم چون علم طب از علوم مشکل به شمار نمی‌رفت در کوتاه‌ترین زمان در این رشته موفقیتهای بزرگ بدست آوردم تا آنجا که دانشمندان بزرگ علم طب به من روی آوردند و در نزد من به تحصیل اشتغال ورزیدند. من بیماران را درمان می‌کردم و در همان حال از علوم دیگر نیز غافل نبودم. منطق و فلسفه را دوباره به مطالعه گرفتم و به فلسفه بیشتر پرداختم و یک سال و نیم در این کار وقت صرف کردم. در این مدت کوششی سپری شد که به بیداری نگذرانده باشم و کمتر روزی گذشت که جز به مطالعه به کار دیگری دست زده باشم.

بعد از آن به الهیات رو آوردم و به مطالعه کتاب ما بعد الطبیعه ارسطو اشتغال ورزیدم ولی چیزی از آن نمی‌فهمیدم و غرض مؤلف را از آن سخنان

درنمی‌یافتم از این رو دوباره از سر خواندم و چهل بار تکرار کردم چنان‌که مطالب آن را حفظ کرده بودم اما به حقیقت آن پی نبرده بودم. چهره مقصود هر حجاب ابهام بود و من از خویش‌نایمید می‌شدم و می‌گفتم مرا در این دانش راهی نیست. یک روز عصر از بازار کتابفروشان می‌گذشتم کتابفروش دوره گردی کتابی را در دست داشت و به دنبال خریدار می‌گشت به من اصرار کرد که آن را بخرم من آن را خریدم، اغراض مابعدالطبیعه نوشته ابو نصر فارابی، هنگامی که به در خانه رسیدم بی‌درنگ به خواندن آن پرداختم و به حقیقت مابعدالطبیعه که همه آن را از برداشتم پی بردم و دشواری‌های آن بر من آسان گشت. از توفیق بزرگی که نصیب شده بود بسیار شادمان شدم. فردای آن روز برای سپاس خداوند که در حل این مشکل مرا یاری فرمود. صدقه فراوان به دو ماندگان دادم. در این موقع سال ۳۸۷ بود و تازه ۱۷ سالگی را پشت سر نهاده بودم. وقتی من وارد سال ۱۸ زندگی خود می‌شدم نوح پسر منصور سخت بیمار شد، اطباء از درمان وی درماندند و چون من در پزشکی آوازه و نام یافته بودم مرا به درگاه بردند و از نوح خواستند تا مرا به بالین خود فرا خواند. من نوح را درمان کردم و اجازه یافتم تا در کتابخانه او به مطالعه پردازم. کتابهای بسیاری در آنجا دیدم که اغلب مردم حتی نام آنها را نمی‌دانستند و من هم تا آن روز ندیده بودم. از مطالعه آنها بسیار سود جست. چندی پس از این ایام پدرم در گذشت و روزگار احوال مرا دگرگون ساخت من از بخارا به گرگانج خوارزم رفتم. چندی در آن دیار به عزت روزگار گذراندم نزد فرمانروای آنجا قربت پیدا کردم و به تالیف چند کتاب در آن شهر توفیق یافتم پیش از آن در بخارا نیز کتاب‌هایی نوشته بودم.

در این هنگام اوضاع جهان دگرگون شده بود ناچار من از گرگانج بیرون آمدم مدتی همچون آواره‌ای در شهرها می‌گشتم تا به گرگان رسیدم و از آنجا به همدان رفتم و دوباره به گرگان باز گشتم و مدتی در آن شهر ماندم و کتابهایی تصنیف کردم. ابو عیید جوزجانی در گرگان به نزد آمد.

ابو عیید جوزجانی گوید: این بود آنچه استادم از سرگذشت خود برایم حکایت کرد. چون من به خدمت او پیوستم تا پایان حیات با او بودم. بسیار چیزها از او فرا گرفتم و بسیاری از کتابهای او را تحریر کردم استادم پس از مدتی به ری رفت و به خدمت مجدالدوله از فرمانروایان دیلمی درآمد و وی را که به بیماری سودا دچار شده بود درمان کرد و از آنجا به قزوین و از قزوین به همدان رفت و مدتی دراز در این شهر ماند و در همین شهر بود که استادم به وزارت شمس‌الدوله دیلمی فرمانروای همدان رسید. در همین اوقات استادم کتاب قانون را نوشت و تالیف کتاب عظیم سفار را به خواهش من آغاز کرد. چون شمس‌الدوله از جهان رفت و پسرش جانشین وی گردید استاد وزارت او را نپذیرفت و چندی بعد به او اتهام بستند که با فرمانروای اصفهان مکاتبه دارد و به همین دلیل به زندان گرفتار آمد ۴ ماه در زندان بسربرد و در زندان ۳ کتاب به رشته تحریر درآورد. پس از رهایی از زندان مدتی در همدان بود تا با جامه درویشان پنهانی از همدان بیرون رفت و به سوی اصفهان رهسپار گردید. من و برادرش و دو تن دیگر با وی همراه بودیم. پس از آنکه سختیهای بسیار کشیدیم به اصفهان درآمدم. علاءالدوله فرمانروای اصفهان استادم را به گرمی پذیرفت و مقدم او را بسیار گرامی داشت و در سفر و حضر و به هنگام جنگ و صلح استاد را همراه و همنشین خود ساخت. استاد در این شهر کتاب شفاء را تکمیل

کرد و به سال ۴۲۸ در سفری که به همراهی علاءالدوله به همدان می‌رفت، بیمار شد و در آن شهر در گذشت و به خاک سپرده شد. او با روش‌های متفکرانه بیماران را درمان می‌کرد.

ابن سینا در ۴۰۲ هجری گرگانج را به مقصد گرگان ترک نمود تا دوستش کاووس بن وشمگیر دیلمی از آل زیار را ملاقات کند. در این راه، ابن سینا به طرف خراسان رفت و از شهرهای نسا، ایبورد، طوس، سمنگان، جاجرم گذشت و به گرگان رسید. اما در این اثنا (در زمستان ۴۰۳ هجری/ژانویه و مارس ۱۰۱۳ میلادی) قابوس در گذشت. گرچه در شرح حال ابن سینا به زبان خودش، دلیلی بر این موضوع نیامده، اما می‌توان علت مرگ قابوس را مسائل سیاسی دانست. ابن سینا در طی این سفر به نظر نمی‌رسد که در شهری توقف کرده باشد. ابن سینا مدت کوتاهی در گرگان در خانه یکی از دوستان صمیمی اش اقامت نمود و در آنجا جوجزجانی را ملاقات نموده و در خدمت منوچهر بن کاووس بود.

ابن سینا از گرگان به ری مهاجرت کرد و در دستگاه حکومتی حاکم آل بویه مجدالدوله رستم وارد شد. مادر مجدالدوله سیده، دستی پشت پرده در تصمیم‌گیریهای حکومتی بود. ابن سینا با مهارتی که در پزشکی داشت، از نخبگان سیاسی که به مجدالدوله مشاوره می‌دادند پیشی گرفت و به وی نزدیک تر شد. ابن سینا مجدالدوله را که مبتلا به مالیخولیا شده بود را مداوا نمود.

ابن سینا در ری بود تا شمس‌الدوله حاکم آل بویه (برادر مجدالدوله) در ذی قعدة ۴۰۵/آوریل ۱۰۱۵ به آنجا حمله کرد. ابن سینا به دلایل نامعلوم به قزوین مهاجرت کرده و سپس وارد همدان گردید. وی سپس برای معالجه

شمس الدوله احضار گردید و به اجبار وزیر وی شد و هتا مرگ شمس الدوله در ۴۱۲ هجری/ ۱۰۲۱ میلادی در این پست باقی ماند. یک بار در این دوران ابن سینا با لشکریان امیر درگیر شد. پس از مرگ شمس الدوله، سماء الدوله روی کار آمد و از ابن سینا خواست تا در مقامش باقی بماند. اما ابن سینا تمایلی به این موضوع نداشت و در انتظار فرصتی برای ترک آن دیار بود. او مخفیانه با علاء الدوله حاکم آل کاکویه مکاتبه کرد که دیوان آل بویه در همدان و مخصوصاً ناج المارک وزیر کرد آل بویه به وی ظنین گردیده و به اتهام خیانت در قلعه‌ای در فرجان ابن سینا را زندانی کردند. ابن سینا ۴ ماه زندانی بود تا اینکه علاء الدوله به همدان تاخت و سلطنت سماء الدوله را پایان داد و ابن سینا از زندان آزاد شد. علاء الدوله به ابن سینا پیشنهاد منصبی در همدان را داد که نپذیرفت. چندی بعد ابن سینا تصمیم به مهاجرت به اصفهان گرفت و در لباس صوفیان به همراه برادرش جوزجانی و دو برده به آنجا رفت.

علاء الدوله، ابن سینا را با عزت و احترام پذیرفت و ابن سینا در اصفهان سکنی گزید و سالهای پایانی عمرش را در خدمت وی گذراند و در اکثر سفرها با وی همراه بود. در یکی از این سفرها به همدان در سال ۴۲۸ هجری، ابن سینا مبتلا به قولنج شد که دائماً به آن مبتلا می‌گشت و در اثر آن در گذشت و در همدان به خاک سپرده شد و آرامگاه بوعلی سینا هم اکنون در این شهر قرار دارد.

ابن سینا از حیث نیروی جسمانی، مردی نیرومند بود و به همین خاطر از کار کردن احساس خستگی نمی‌کرد. او با داشتن این نیروی فراوان جسمی می‌توانست از پس کار وزارت فرمانروایان برآید و همیشه چه در سفر و چه در

نبرد همراه آنان باشد و علاوه بر این به کار دانش و نوشتن نیز پردازد. می‌گویند که او شبها تا دیرگاه به نوشتن کتاب و رساله می‌پرداخت و در این کار افراط می‌کرد. ابن سینا از لحاظ نیروی ذهنی و تفکر نیز بسیار نیرومند بود. اینکه او در هجده سالگی توانست تمامی دانش‌های زمان خود را فراگیرد خود نشانگر نیروی ذهنی اوست.

ابن سینا بسیار تابع فلسفه ارسطو بود و از این نظر به استادش فارابی شباهت دارد. مبحث منطوق و نفس در آثار او در واقع همان مبحث منطوق و نفس ارسطو و شارحان او نظیر اسکندر افرویدی و نامیسطیوس است. اما ابن سینا هرچه به اواخر عمر نزدیک می‌شد، بیشتر از ارسطو فاصله می‌گرفت و به افلاطون و فلوپین و عرفان نزدیک می‌شد. داستان‌های تمثیلی او و نیز کتاب پر حجم منطق المشرقی که اواخر عمر تحریر کرده بود، شاهد این مدعاست. متأسفانه امروزه از این کتاب تنها مقدمه‌اش در دست است. اما حتی در همین مقدمه نیز ابن سینا به انکار آثار دوران ارسطویی خویش مانند شفا و نجات می‌پردازد.

به دلیل آنکه در آن عصر، عربی زبان رایج آثار علمی بود، ابن سینا و سایر دانشمندان ایرانی که در آن روزگار می‌زیستند کتاب‌های خود را به زبان عربی نوشتند.

بعدها بعضی از این آثار به زبان‌های دیگر از جمله فارسی ترجمه شد. از جمله اثر قانون در طب که توسط عبدالرحمن شرفکندی به زبان فارسی ترجمه شده‌است.

افزون بر این، ابن سینا در ادبیات فارسی نیز دستی قوی داشته‌است. بیش از ۲۰ اثر فارسی به او منسوب است که از میان آن‌ها، بی‌گمان «دانشنامه علانی» و

در گشتناسی (رساله نبض) از نوشته های او است. آثار فارسی ابن سینا، مانند سایر نثرهای علمی زمان وی، با رعایت ایجاز و اختصار کامل نوشته شده است. آثار فراوانی از ابن سینا به جا مانده و یا به او نسبت داده شده که فهرست جامعی از آنها در فهرست مواد لازم های مصنفات ابن سینا آورده شده است. این فهرست شامل ۱۳۱ نوشته اصیل از ابن سینا و ۱۱۱ اثر منسوب به او است. برخی از آثار این حکیم و دانشمند بزرگ عبارتند از: کتاب المجموع در یک جلد، کتاب الحاصل و المحصول در بیست جلد، کتاب البر و الاثم، در دو جلد، کتاب الشفاء، در هجده جلد، کتاب القانون فی الطب، در هجده جلد، کتاب الارصاد الکلیه، در یک جلد، کتاب الانصاف، در بیست جلد، کتاب النجاه، در سه جلد، کتاب الهدایه، در یک جلد، کتاب الاشارات، در یک جلد، کتاب المختصر الاوسط، در یک جلد، کتاب العلانی، در یک جلد، کتاب القولنج، در یک جلد، کتاب لسان العرب فی اللغة، در ده جلد، کتاب الادویه القلییه، در یک جلد، کتاب الموجز، در یک جلد، کتاب بعض الحکمه المشرقیه، در یک جلد، کتاب بیان ذوات الجبهه، در یک جلد، کتاب المعاد، در یک جلد، کتاب المبدأ و المعاد در یک جلد، رساله القضاء و القدر، رساله فی الآله الرصديه، رساله عرض قاطیغوریاس، رساله المنطق بالشعر، قصائد فی العظه و الحکمه، رساله فی تعوت المواضع الجدلیه، رساله فی اختصار اقلیدس، رساله فی مختصر النبض به زبان فارسی، رساله فی الحدود، رساله فی الاجرام السماویه، کتاب الاشاره فی علم المنطق، کتاب اقسام الحکمه، کتاب النهایه، کتاب عهد کتبه لنفسه، کتاب حی بن یقطان، کتاب فی ان ابعاد الجسم ذاتیه له، کتاب خطب، کتاب عیون الحکمه، کتاب فی انه لا یعجز ان یکون شیء واحد

جوهرها و عرضیا، کتاب آن علم، زید غیر علم عمرو، رسائل اخوانیه و سلطانیه و مسائل جرت بینہ و بین بعض العلماء، شفاء، نجات، الاشارات والتشہات، حی بن یقظان، زاویہ، اقلیدس، الارتماطیقی، علم ہیئت، المجسطی، جامع البدایع، ابطال احکام النجوم، الاجرام العلویہ و اسباب البرق والرعد، النبات والحیران، الادویہ القلیہ، دفع المضار الکلیہ عن الابدان الانسانیہ، قوانینج، سیاست البدن و فضائل الشراب، تشریح الاعضاء، الفصد، الاغذیہ والادویہ.

کتاب القانون فی الطب نیز یک دایره المعارف پزشکی است که در آن تمام مبانی اصلی طب سنتی مورد بحث قرار گرفته است مانند: مبانی تشریح، آناتومی، مبانی علامت شناسی، سمیولوژی، داروشناسی و داروسازی و مواد لازم نویسی، فارماکولوژی و غیره.

کتاب قانون در دانشگاه های اروپایی و آمریکایی تا دو قرن پیش مورد استفاده پزشکان بوده و به اکثر زبانهای دنیا ترجمه شده است و بعد از انجیل بیشترین چاپ را داشته است. افلاطون مغز و قلب و کبد را از اعضای حیاتی بدن انسان ذکر کرده بود و لذا این اعضا را مثلث افلاطون (تریگونوم پلاطو) می نامیدند. ابن سینا اعلام نمود که دوام و بقای نسل انسان وابسته به دستگاه تولید مثل است و لذا جمع چهار عضو مذکور را مربع ابن سینا (کوادرانگولا اویسینا) نامیدند. وی همچنین علاقه مند به تاثیرات اندیشه بر جسم بود و آثاری نیز در باب روانشناسی دارد.

ابن سینا علاوه بر آثار خود چند شاگرد نیز تربیت کرد که هر کدام دانشمند بزرگی در زمان خود شدند. از میان شاگردان او این چندتن سرشناس ترند:

ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان شاگرد بسیار معروف ابن سینا است که برخی از آثار او در دست است. وی از زرتشتیان آذربایجان بود. ولی بعدها مسلمان شد و کنیه ی ابوالحسن را برگزید. ابو عییدالله عبدالواحد بن محمد جوزجانی از سال ۴۰۳ هجری تا هنگام مرگ ابن سینا پیوسته در خدمت او بوده است و پس از مرگ او به گردآوری و تألیف آثار او پرداخت. تبحر او در ریاضیات بود.

ابو عبدالله محمد بن احمد المعصومی، شیخ علی نسائی خراسانی و ابومنصور حسین بن طاهر بن زیله اصفهانی از شاگردان دیگر ابن سینا می باشند.

عقیل گل محمدی - کاظم کیانی

زمستان ۱۳۹۱